

نماز تراویح

سنت یا بدعت؟

○ جعفر سبحانی

بیکه

«نماز تراویح نزد اهل سنت، نمازهای مستحبی شب‌های ماه رمضان است که از مستحبات مؤکد است و پیامبر(ص) برای معطر کردن فضای معنوی خانه و ایجاد محیطی به دور از مشغله برای خلوت با خدا و راز و نیاز با او، اصرار داشت که این نمازها همچون سایر نمازهای مستحبی در خانه و به دور از جماعت برگزار شود و آنگاه که دید مردم رغبت دارند که این نمازها را به امامت او برگزار کنند، آنان را از این عمل بازداشت.

اما پس از او، عمرین خطّاب مردم را به اقامه این نمازها در مسجد و به جماعت ترغیب کرد. این بدعت عمر سبب شد که بیشتر فقیهان اهل سنت بدون در نظر گرفتن سیره نبوی(ص) که در منابع روایی خود نقل کرده‌اند، فتوا به استحباب اقامه نماز تراویح به جماعت دهند.

نماز تراویح

تهجد و شب زنده‌داری در شبهای ماه رمضان سنتی است که در احادیث پیامبر(ص) و امامان اهل بیت(ع) مورد تأکید بوده است. تهجد در این شبها و انجام نوافل، از برترین

اعمالی است که رسول خدا(ص) استحباب آن را بیان کرده اند.
اما بحثی که این مقاله در صدد بیان آن است، جواز یا عدم جواز اقامه این نمازها به شکل جماعت می باشد که این مسأله را در ضمن چند امر بیان می کنیم:

۱. تراویح در لغت و اصطلاح فقها

واژه تراویح، جمع ترویحة از «راحة» به معنای آسایش و آرامش مشتق شده است. ترویحة در اصل به معنای راحت نشستن است. علت این که نشستن پس از رکعت چهارم نمازهای شبهای ماه رمضان را ترویحة می گویند این است که مردم پس از هر چهار رکعت، استراحت می کنند. ترویحة اسم مره است همچنان که تسلیمه اسم مره از سلام می باشد.^۱

۲. خواندن نمازهای مستحبی در شبهای ماه رمضان، سنتی مؤکد

نماز خواندن در شبهای ماه رمضان سنتی مؤکد^۲ است که رسول خدا(ص) به انجام آن تشویق کرده است:

۱. بخاری از ابوهریره روایت کرده است که از رسول خدا(ص) شنیدم که در مورد ماه رمضان فرمود:

من قامه ایماناً و احتساباً غفرله ما تقدم ذنبه؛^۳

کسی که از روی ایمان و با قصد قربت در شبهای ماه رمضان نماز بر پا دارد، گناهان گذشته اش بخشیده می شود.

۲. مسلم از ابوهریره نقل کرده است که پیامبر(ص) فرمود:

من صام رمضان ایماناً و احتساباً غفرله ما تقدم من ذنبه، و من قام ليلة القدر ایماناً و

۱. لسان العرب، ج ۲، ماده «روح»

۲. نماز خواندن در شبهای ماه رمضان نزد امامیه و مذاهب اهل سنت به جز مالکیه، سنتی مؤکد است.

۳. صحیح بخاری، ج ۳، ص ۴۴، باب فضیلت نماز خواندن در ماه رمضان؛ صحیح مسلم، ج ۲،

ص ۱۷۶، باب ترغیب خواندن نماز تراویح در ماه رمضان.

احتساباً غفرله ما تقدّم من ذنبه؛^۲

کسی که در ماه رمضان، از روی ایمان و با قصد قربت روزه بگیرد، گناهان گذشته اش بخشیده می شود و کسی که در شب قدر، از روی ایمان و با قصد قربت نماز بخواند، گناهان گذشته اش آمرزیده می شود.

۳. شیخ طوسی با سند خویش از ابو ورد از امام باقر(ع) نقل کرده است که:

خطب رسول الله(ص) الناس في آخر جمعة من شعبان فحمد الله واثني عليه ثم قال: أيها الناس انه قد اظلكم شهر، فيه ليلة خير من الف شهر، وهو شهر رمضان، فرض الله صيامه و جعل قيام ليلة فيه بتطوع صلاة، كمن تطوع بصلاة سبعين ليلة فيما سواه من الشهور، و جعل لمن تطوع فيه بخصلة من خصال الخير و البر، كأجر من أدى فريضة من فرائض الله عزوجل، و من أدى فيه فريضة من فرائض الله عزوجل كان كمن أدى سبعين فريضة من فرائض الله فيما سواه من الشهور ...^۵

رسول خدا(ص) در آخرین جمعه از ماه شعبان طی خطبه ای که برای مردم ایراد کرد، پس از حمد و ثنای خداوند فرمود: ای مردم! در آستانه ماهی قرار دارید که شبی دارد بهتر از هزار ماه و آن، ماه رمضان است که خداوند روزه گرفتن در آن ماه را واجب گردانیده و خواندن نماز مستحبی در یک شب آن را معادل خواندن نماز مستحبی در هفتاد شب در غیر ماه رمضان قرار داده است و پاداش کسی را که یک عمل خیر و نیک در این ماه انجام دهد پاداش کسی قرار داده که عملی از اعمال واجب را انجام داده است و کسی در این ماه عمل واجبی را انجام دهد، مانند کسی است که در ماههای دیگر هفتاد واجب از واجبات خداوند را انجام داده است و ...

۴. شیخ طوسی از یونس بن عبدالرحمن از محمد بن یحیی روایت کرده است که گفت:

۴. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۷۷، باب ترغیب خواندن نماز تراویح در ماه رمضان.

۵. تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۵۷، باب فضل شهر رمضان والصلاة فيه زیادة علی النوافل.

فصل فی التَّوْبَةِ
۵۲
سال ۱۲ شماره ۴۷

نزد امام صادق(ع) بودم. از او سؤال شد که آیا در ماه رمضان بر نمازهای نافله افزوده می شود؟ فرمود:

نعم، قد كان رسول الله(ص) يصلي العتمة في مصلاة فيكثر؛^٦

آری، رسول خدا، بعد از نماز عشا به مصلاش می رفت و زیاد نماز می خواند.

۵. شیخ طوسی از علی بن حمزه نقل کرده است که خدمت امام صادق(ع) رسیدیم.

ابو بصیر از او پرسید نظر شما در باره نماز خواندن در ماه رمضان چیست؟ امام(ع) در پاسخ

فرمود:

ان لرمضان حرمة و حقاً لا يشبهه شيء من الشهور، صل ما استطعت في رمضان

تطوعاً بالليل والنهار، وإن استطعت في كل يوم و ليلة الف ركعة فصل ان

علياً(ع) كان في آخر عمره يصلي في كل يوم و ليلة الف ركعة، فصل يا ابا محمد

زيادة في رمضان. فقال: كم جعلت فداك؟ فقال: في عشرين ليلة تمضي في كل

ليلة عشرين ركعة، ثماني ركعات قبل العتمة و اثنتي عشرة بعدها سوى ما كنت

تصلي قبل ذلك، فإذا دخل العشر الاواخر فصل ثلاثين ركعة كل ليلة، ثمان قبل

العتمة و اثنتين و عشرين بعد العتمة سوى ما كنت تفعل قبل ذلك؛^٧

ماه رمضان دارای حرمت و حقی است که هیچ یک از ماهها مانند آن نیست. هر

قدر می توانی در شب و روز این ماه، نماز نافله بخوان و اگر توانستی در هر

شبانه روز، هزار رکعت نماز بخوان. علی(ع) در اواخر عمرش در هر شبانه

روز هزار رکعت نماز می خواند. ای ابو محمد! در ماه رمضان، زیاد نماز

بخوان. راوی می گوید از امام(ع) پرسیدم: فدایت شوم، چقدر نماز بخوانم؟

امام(ع) فرمود: در بیست شب اول این ماه - به جز نمازهایی که قبل از آن

می خوانده ای - در هر شب بیست رکعت بخوان، هشت رکعت قبل از عشاء و

دوازده رکعت بعد از آن و در ده شب آخر این ماه - به جز آنچه قبل از آن

۶. همان، ص ۶۰، باب فضیلت ماه رمضان، حدیث ۸.

۷. همان، ص ۶۴، باب فضیلت ماه رمضان، حدیث ۱۰.

می خوانده ای - در هر شب سی رکعت نماز بخوان، هشت رکعت قبل از عشاء و بیست و دو رکعت بعد از آن.

۳. بهترین نمازها نمازی است که در خانه خوانده می شود، مگر نمازهای واجب صاحبان صحاح و سنن، از پیامبر (ص) روایت کرده اند که بهترین نماز انسان نمازی است که در خانه می خواند، مگر نماز واجب و سزاوار است انسان بخشی از نمازهایش را در خانه بخواند.

۱. مسلم از ابن عمر از پیامبر (ص) نقل کرده است که فرمود:

اجعلوا من صلاتکم فی بیوتکم ولا تتخذوها قبوراً؛^۸

بخشی از نمازهایتان را در خانه اقامه کنید و آنجا را قبر به شمار نیاورید.

۲. مسلم از ابن عمر این روایت را نیز از پیامبر (ص) نقل کرده است که فرمود:

صلوا فی بیوتکم ولا تتخذوها قبوراً؛^۹

در خانه هایتان نماز بخوانید و آنجا را قبر برنگزینید.

۳. مسلم از جابر نیز نقل کرده است که رسول خدا (ص) فرمود:

إذا قضی أحدکم الصلاة فی مسجده فلیجعل لبيته نصيباً من صلاته؛ فإن الله

جاعل فی بته من صلاته خيراً؛^{۱۰}

هرگاه کسی از شما خواست در مسجد خود نماز گزارد، برای خانه اش نیز سهمی

از نمازهایش قرار دهد؛ زیرا خداوند به سبب آن نماز در خانه اش خیر قرار

می دهد.

۴. مسلم از ابو موسی از پیامبر (ص) روایت کرده است که فرمود:

۸. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۸۷ و ۱۸۸، باب استحباب اقامه نماز نافله در خانه و جواز اقامه آن در

مسجد.

۹. همان.

۱۰. همان.

۵۴
سال ۱۳۸۷
شماره ۴۷

مَثَلُ الْبَيْتِ الَّذِي يَذْكُرُ اللَّهُ فِيهِ وَ الْبَيْتِ الَّذِي لَا يَذْكُرُ اللَّهُ فِيهِ مَثَلُ الْحَيِّ وَالْمَيِّتِ؛^{۱۱}
خانه ای که خدا در آن یاد می شود، نسبت به خانه ای که خدا در آن یاد نمی شود
مانند انسان جاندار و بی جان است.

۵. مسلم از زید بن ثابت روایت کرده است که:

رسول خدا(ص) در خانه اش از لیف خرما یا حصیر اتاقکی ساخت. آنگاه درون آن
رفت تا نماز بخواند. تعدادی از مردم به دنبال او وارد اتاقک شدند تا با او نماز بخوانند.
پس از آن شبی دیگر به آنجا آمدند ولی رسول خدا برای نماز حاضر نشد. مردم که این
وضعیت را دیدند، صدای خویش را بلند کرده، در خانه او را زدند و رسول خدا(ص)
خشمگین بیرون آمد و به آنان گفت:

ما زال بكم صنعكم حتى ظننت أنه سيكتب عليكم، فعليكم بالصلاة في بيوتكم

فإن خير صلاة المرء في بيته إلا الصلاة المكتوبة؛^{۱۲}

آنقدر اصرار ورزیدید که گمان کردم که این کار بر شما واجب خواهد شد. بر
شما یاد به نماز خواندن در خانه هایتان؛ زیرا بهترین نماز انسان، غیر از نماز
واجب، نمازی است که در خانه خوانده شود.

۶. ابو داود از زید بن ثابت نقل کرده است که:

رسول خدا(ص) در مسجد، اتاقی ترتیب داد و چنین بود که بخشی از شب را به آن
اطاق می رفت و به نماز می پرداخت. گروهی از مردم هم به آنجا می آمدند و با او نماز
می خواندند. این جریان هر شب ادامه یافت تا اینکه یک شب رسول خدا(ص) برای نماز
خواندن در آن اتاق، از خانه بیرون نیامد. مردمی که منتظر رسول خدا(ص) بودند وقتی این
تاخیر را مشاهده کردند صدای خود را بالا برده و در خانه حضرت را کوبیدند. رسول
خدا(ص) با عصبانیت بیرون آمد و فرمود:

أيها الناس ما زال بكم صنعكم حتى ظننت ان ستكتب عليكم بالصلاة

۱۱. همان.

۱۲. همان.

في بيوتكم؛ فان خير صلاة المرء في بيته إلا الصلاة المكتوبة؛^{١٣}

ای مردم! آنقدر اصرار ورزیدید که گمان کردم این کار بر شما واجب خواهد شد. بر شما باد به نماز خواندن در خانه های خود؛ زیرا بهترین نماز انسان - غیر از نماز واجب - نمازی است که در خانه خوانده شود.

٧. نسایی از عبدالله بن عمر نقل کرده است که رسول خدا(ص) فرمود:

صلوا في بيوتكم ولا تتخذوها قبوراً؛^{١٤}

در خانه های خود نماز بخوانید و آنها را قبر قرار ندهید.

پیامبر(ص) در این روایات، خانه ای را که مردم در آن نماز نمی خوانند به قبر که در آن عبادت نمی شود تشبیه کرده است.

٨. نسایی از سعد بن اسحاق بن کعب بن عجره از پدرش، از جدش روایت کرده است که رسول خدا(ص) نماز مغرب را در مسجد بنی عبدالاشهل اقامه کرد. پس از نماز، مردم خواستند که نماز نافله بخوانند، پیامبر(ص) فرمود:

عليكم بهذه الصلاة في البيوت؛^{١٥}

بر شما باد به خواندن این گونه نمازها(نافل) در خانه های خود.

با توجه به این سفارش پیامبر(ص) و شیوه عملی که بارها به پیروی از آن سفارش کرده است، معلوم می شود که اقامه نماز تراویح در ماه رمضان در مساجد - چه به جماعت و چه به فردی - برخلاف سنت نبوی و بر خلاف سفارش های مکرر اوست؛ زیرا در این صورت خانه های مسلمانان مانند قبری می شود که خالی از عبادت است. معلوم نیست با این که پیامبر(ص) اصرار داشته است که نمازهای نافله در خانه ها اقامه شوند چرا این سنت در طی قرون متمادی ترك شده است؟

١٣. سنن ابی داود، ج ٢، ص ٦٩، حدیث ١٤٤٧.

١٤. سنن نسایی، ج ٣، ص ١٩٧، باب «قیام اللیل و تطوع النهار».

١٥. سنن نسایی، ج ٣، ص ١٩٨، باب «قیام اللیل و تطوع النهار»، همچنین: مسند احمد بن حنبل، ج ٥، ص ٤٢٧ و ٤٢٨.

مایه شگفت است که ابن حزم با وجود پذیرش برتری اقامه همه نمازهای مستحبی در خانه، آن دسته از نمازهای مستحبی را که در مساجد به جماعت خوانده می شود استثنا کرده است. وی می گوید:

خواندن نمازهای مستحبی همراه با جماعت، از خواندن آنها به صورت فرادی، افضل است و خواندن نمازهای مستحبی در خانه از خواندن آنها در مساجد بهتر است، مگر این که در مسجد به جماعت خوانده شود.^{۱۶}

برخواننده محترم پوشیده نیست که استثنای ابن حزم، اجتهاد در مقابل نص است؛ زیرا سخن رسول خدا(ص) مطلق است و شامل حالت فرادی و جماعت می شود. در روایت سعد بن اسحاق گذشت که رسول خدا(ص) نماز مغرب را در مسجد بنی عبدالاشهل اقامه کرد و مردم پس از پایان نماز، خواستند نماز نافله بخوانند که پیامبر(ص) به آنها فرمود: «بر شما باد به خواندن این گونه نمازها در خانه های خود». بنابراین چنانچه خواندن نمازهای نافله به صورت جماعت در مساجد از خواندن آنها به صورت فرادی در خانه برتر بود، بایستی مردم را به آن راهنمایی می کرد، در حالی که با قاطعیت بیان می کند که: «علیکم بهذه الصلاة في البيوت یعنی: نوافل را، چه به صورت فرادی و چه به صورت جماعت در مسجد نخوانید، بلکه آنها را در خانه اقامه کنید».

در این زمینه محشی «محلّی» مطلبی دارد که سخن ما را تأیید می کند. متن حاشیه چنین است:

ابن حزم گفته است که پیامبر(ص) هیچ گاه عمل افضل را ترك نمی کرد و استحباب اقامه نمازهای مستحبی به جماعت از این جهت است. سپس می گوید: در مورد نماز تراویح، جماعت آن افضل است، در حالی که ما می دانیم کلیه نوافل رسول خدا(ص) به صورت فرادی بوده است. بنابراین مطابق اصلی که ابن حزم بیان کرده، چگونه ممکن است پیامبر(ص) عمل افضل را رها کرده باشد؟ پس معلوم می شود چنانچه نماز واجب - و نه نماز نافله - به جماعت خوانده شود، بیست و پنج درجه از نماز فرادی برتر است.

نقد ابن حزم توسط ابن دانشمند، نقدی مستدل و حق است.

۹. ابن ماجه از عبداللّه بن سعد روایت کرده است که از رسول خدا(ص) سؤال کردم

که آیا نماز در مسجد افضل است یا در خانه؟ حضرت فرمود:

الأتري إلى بيتي ما أقره إلى المسجد! فلان أصلي في بيتي أحب إلي من أن

أصلي في المسجد إلا أن تكون صلاة مكتوبة؛^{۱۷}

نمی بینی که خانه ام چقدر به مسجد نزدیک است!؟ در عین حال خواندن نماز در

خانه بیشتر مورد علاقه من است تا نماز خواندن در مسجد مگر آنکه نماز واجب

باشد.

محشّی سنن ابن ماجه از کتاب «زوائد» نقل می کند که اسناد این حدیث صحیح و

رجال آن ثقه می باشند.

۱۰. ابن ماجه از ابو سعید خدری از پیامبر(ص) نقل کرده است که فرمود:

إذا قضی أحدكم صلاته فليجعل لبيته نصيباً فان الله جاعل في بيته من صلاته

خيراً؛^{۱۸}

هرگاه کسی از شما خواست نماز بخواند برای خانه اش بهره ای از نماز قرار

دهد؛ زیرا خداوند در خانه اش به جهت نمازی که در آن خوانده است، خیر قرار

می دهد.

آنچه گفتیم با روایت مرسله ای که ترمذی از حدیقه نقل کرده منافات ندارد. ترمذی

روایت کرده که پیامبر پس از خواندن نماز مغرب، همچنان به خواندن نماز در مسجد ادامه

داد تا این که وقت نماز عشا فرارسید و نماز عشا را خواند.^{۱۹}

این حدیث چنین توجیه می شود که پیامبر(ص) برای خواندن نافله در مسجد عذر

۱۷. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۳۹، شماره ۱۳۷۸.

۱۸. همان، ص ۴۳۸، شماره ۱۳۷۶.

۱۹. سنن ترمذی، ج ۲، ص ۵۰۰، ذیل حدیث ۶۰۴؛ احمد بن حنبل نیز این حدیث را در مسند، ج ۵،

ص ۴۱۴ آورده است.

خاصی داشته است. موارد متعددی برای پیامبر(ص) اتفاق افتاده که ایشان در برخی شبها نوافل را در مسجد خوانده است و همه این موارد به دلیل وجود عذری خاص، از قبیل نبودن جا در خانه، استثنایی بوده است بر آن قاعده کلی. از بیانات گذشته این نتیجه حاصل می شود که خواندن نافله در مساجد حتی نافله های ماه رمضان، چه به صورت جماعت و چه به صورت فرادی برخلاف سنت نبوی است. بنابراین سزاوار است مسلمانان آنها را در خانه به جای آورند نه در مساجد.

پس از روشن شدن این مطلب اینک به حکم اقامه نوافل ماه رمضان؛ یعنی نماز تراویح، به صورت جماعت می پردازیم:

۴. اقامه نماز تراویح به جماعت از نظر امامیه

شیعه امامیه به پیروی از امامان اهل بیت(ع) اتفاق نظر دارند که نوافل ماه رمضان بایستی به صورت فرادی اقامه شود و خواندن آنها به جماعت بدعتی است که پس از پیامبر(ص) حادث شده و از مواردی است که از جانب خداوند هرگز دلیل و حجتی بر آن نازل نشده است.^{۲۰}

شیخ طوسی گفته است: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نوافل ماه رمضان بایستی به صورت فرادی به جای آورده شود و خواندن آنها به جماعت، بدعت است.^{۲۱}

علامه حلی نیز گفته است:

از نظر همه علمای شیعه، خواندن این نماز(نوافل ماه رمضان) به صورت جماعت جایز نیست.^{۲۲}

۲۰. این مطلب را ابن حجر عسقلانی در فتح الباری، ج ۴، ص ۲۴۰، ذکر کرده و به زودی متن آن را خواهیم آورد.

۲۱. الخلاف، کتاب الصلاة، مساله ۲۶۸.

۲۲. تذکره الفقهاء، ج ۲، ص ۲۸۲.

و در «متهی المطلب» چنین آورده است :

علمای شیعه معتقدند، به جماعت خواندن نوافل ماه رمضان، بدعت است. ۲۳

این عبارت (یعنی بدعت بودن اقامه نوافل ماه رمضان به جماعت) در همه کتابهای فقهی شیعه امامیه وجود دارد و هیچ یک از علمای شیعه با آن مخالف نیست.

احادیث بسیاری از امامان اهل بیت علیهم السلام وارد شده است که حکایت از این دارد که خواندن این نمازها به صورت جماعت بدعتی بوده است که پس از رحلت رسول خدا (ص) حادث شده است. اینک به ذکر برخی از این احادیث می پردازیم :

۱. شیخ طوسی در تهذیب الاحکام از عمار از امام صادق (ع) نقل کرده است که از ایشان در مورد خواندن نوافل ماه رمضان در مساجد سؤال شد و حضرت در پاسخ فرمودند :

لما قدم امیر المؤمنین (ع) الکوفة امر الحسن بن علی (ع) ان ینادی فی الناس : «لا صلاة فی شهر رمضان فی المساجد جماعة» ، فنادی فی الناس الحسن بن علی (ع) بما امره به امیر المؤمنین (ع) فلما سمع الناس مقالة الحسن بن علی صاحبوا : واعمراه ، واعمراه . فلما رجع الحسن إلى امیر المؤمنین (ع) قال له : ما هذا الصوت ؟ فقال : یا امیر المؤمنین : الناس یصیحون : واعمراه ، واعمراه ، فقال امیر المؤمنین (ع) : قل لهم : صلوا ؛

وقتی امیر المؤمنین (ع) به کوفه آمد به حسن بن علی (ع) دستور داد تا در میان مردم ندا دهد : «در ماه رمضان نیاستی نماز نافله در مساجد به صورت جماعت خوانده شود». حسن بن علی (ع) طبق فرمان امیر المؤمنین در میان مردم ندا داد. هنگامی که مردم این پیام را شنیدند فریاد برآوردند : واعمراه ، واعمراه . وقتی حسن بن علی نزد امیر المؤمنین (ع) بازگشت ، امیر المؤمنین (ع) به او فرمود : این صداها چیست ؟ او عرض کرد : ای امیر المؤمنین مردم فریاد می زنند : «واعمراه ، واعمراه» امیر المؤمنین (ع) فرمود : به آنها بگو نماز را (به صورت جماعت) بخوانند.

شماره ۱۲ سال ۶۰ هجری قمری

شیخ طوسی در ذیل این حدیث می گوید:

امیرالمؤمنین(ع) خواندن نوافل را منع نکرد، بلکه خواندن آنها را به صورت جماعت منع کرد و وقتی دید این کار موجب فساد و فتنه می شود، اجازه داد تا طبق عادتشان نوافل را به صورت جماعت بخوانند. ۲۴

۲. کلینی از زراره و محمد بن مسلم و فضیل روایت کرده که آنها از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) از جماعت خواندن نافله های شب ماه رمضان، سؤال کردند و آنها در پاسخ فرمودند:

ان النبي كان إذا صلى العشاء الآخرة انصرف إلى منزله ثم يخرج من آخر الليل إلى المسجد فيقوم فيصلّي، فخرج في أوّل ليلة من شهر رمضان ليصلّي كما كان يصلّي، فاصطف الناس خلفه فهرب منهم إلى بيته و تركهم، ففعلوا ذلك ثلاث ليال، فقام(ص) في اليوم الرابع على منبره، فحمد الله و اتنى عليه، ثم قال: أيها الناس ان الصلاة بالليل في شهر رمضان من النافلة في جماعة بدعة وصلاة الضحى بدعة، الا فلا تجتمعوا ليلاً في شهر رمضان لصلاة الليل ولا تصلّوا صلاة الضحى، فان تلك معصية الا فان كل بدعة ضلالة و كل ضلالة سيّلتها إلى النار ثم نزل وهو يقول: قليل في سنة، خير من كثير في بدعة؛ ۲۵

چون پیامبر(ص) نماز عشاء را می خواند، به طرف منزلش رهسپار می شد، آنگاه آخر شب به مسجد می آمد تا نماز بخواند. در شب اول ماه رمضان از خانه بیرون آمد تا همچون گذشته نماز بخواند، مردم پشت سر او صف بستند تا با او نماز بخوانند. پیامبر(ص) که این صحنه را دید از آنها گریخت و به طرف خانه اش رفت. این حادثه سه شب تکرار شد. حضرت در روز چهارم، بر منبر رفت و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: ای مردم! خواندن نمازهای نافله شبهای

۲۴. تهذیب الاحکام، ج ۳، باب فضل شهر رمضان، حدیث ۳۰.

۲۵. الکافی، ج ۴، ص ۱۵۴.

ماه رمضان به صورت جماعت، بدعت است. و نماز ضُحَا^{۲۶} بدعت است. در شب ماه رمضان برای اقامه نماز نافله شبهای آن اجتماع نکنید و نماز ضُحَا را نخوانید؛ زیرا این کار معصیت است. بدانید که هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی به آتش راه دارد. * پیامبر(ص) پس از ایراد این سخنان از منبر پایین آمد، در حالی که می فرمود: عمل اندکی که مطابق با سنت باشد از عمل زیادی که بدعت باشد بهتر است.

این حدیث را شیخ طوسی نیز در تهذیب الاحکام، روایت کرده است^{۲۷}.

۳. کلینی از عبید بن زراره از امام صادق(ع) روایت کرده است که حضرت فرمود:

كان رسول الله(ص) يزید في صلاته في شهر رمضان اذا صلى العتمة، صلى بعدها، فيقوم الناس خلفه فيدخل و يدعهم، ثم يخرج أيضاً فيجيئون فيقومون خلفه، فيدعهم و يدخل مراراً؛^{۲۸}

رسول خدا(ص) در ماه رمضان بعد از نماز عشا، زیاد نماز می خواند. پس از نماز عشاء به نماز می ایستاد و مردم پشت سر او می ایستادند، ولی پیامبر آنها را رها کرده و به منزل خود باز می گشت. سپس از خانه خارج می شد تا به نماز بایستد، باز مردم می آمدند و پشت سر او می ایستادند و پیامبر(ص) هم آنها را رها کرده به منزل می رفت و این کار چند بار تکرار می شد.

نتیجه ای که از این روایات گرفته می شود این است که پیامبر(ص) با ترك مردم و برگشتن مکرر به خانه، آنها را از خواندن نوافل به صورت جماعت نهی می کرد. اما مردم به سبب علاقه به خواندن نافله به امامت پیامبر(ص)، کوتاه نمی آمدند. وقتی پیامبر(ص) دید که مردم بر این کار اصرار دارند، در روز چهارم برفراز منبر رفت و پس از حمد و ثنای

۲۶. نماز ضُحَا، نمازی مستحبی در میان اهل سنت است که از دو رکعت تا هشت رکعت می باشد و

وقت آن هنگام بالا آمدن خورشید تا قبل از زوال (ظهر شرعی) است.

۲۷. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۶۹، باب فضیلت ماه رمضان، حدیث ۲۹.

۲۸. الکافی، ج ۴، ص ۱۵۴.

خداوند فرمود:

أيها الناس ان الصلاة بالليل في شهر رمضان من النافلة في جماعة بدعة و صلاة الضحى بدعة. الا فلا يجتمعوا ليلاً في شهر رمضان لصلاة الليل ولا تصلوا صلاة الضحى، فان تلك معصية الا فان كل بدعة ضلالة و كل ضلالة سبيلها إلى النار. ثم نزل و هو يقول: قليل في سنة خير من كثير في بدعة؛^{۲۹}

ای مردم! به جماعت خواندن نوافل شبهای ماه رمضان، بدعت است و نماز ضحاً بدعت است. آگاه باشید، هیچگاه در شبی برای اقامه نماز (مستحبی) در ماه رمضان اجتماع نکنید و نماز ضحاً نخوانید؛ زیرا این کار معصیت است.

آگاه باشید! هر بدعتی، گمراهی است و هر گمراهی به آتش راه دارد. آنگاه از منبر پایین آمد در حالی که می گفت: عمل اندکی که مطابق با سنت باشد، بهتر از عمل زیادی است که بدعت باشد.

۵. اقامه نماز تراویح به صورت جماعت از نظر علمای اهل سنت

قول مشهور در میان اهل سنت، جواز اقامه این نماز به صورت جماعت است و در عمل هم، طی قرون متمادی طبق این عقیده رفتار کرده اند. البته میان آنها این اختلاف وجود دارد که آیا اقامه این نماز به صورت جماعت افضل است یا به صورت فرادی. شافعی گفته است:

نماز تراویح به صورت فرادی، بیشتر مورد علاقه من است.^{۳۰}

در این زمینه میان علمای شافعی دو قول وجود دارد. ابوالعباس و ابواسحاق و عموم شافعیان معتقدند که اقامه نماز تراویح به صورت جماعت در هر صورتی افضل است. اما گروهی دیگر مطابق ظاهر سخن شافعی اعتقاد دارند که نماز تراویح به صورت فرادی به دو شرط، از صورت جماعت آن افضل است:

۲۹. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۸۷، کتاب الصوم.

۳۰. المجموع شرح المهدب، ج ۴، ص ۵.

۱. جماعت با نیامدن آن فرد به نماز جماعت، مختل نشود.
 ۲. امام جماعت قیام و قرائت نماز را طول دهد که در این صورت بهتر است به صورت فرادی به جای آورده شود تا بیشتر از امام نماز بخواند.^{۳۱}
- نووی گفته است:

علما اتفاق نظر دارند که نماز تراویح مستحب است و اختلافشان در این است که آیا اقامه آن به صورت فرادی و در خانه افضل است یا اقامه آن به جماعت و در مسجد. شافعی و جمهور اصحاب او و ابو حنیفه و احمد و برخی از علمای مالکی و دیگران اعتقاد دارند که اقامه آن به جماعت افضل است، همچنان که عمر بن خطاب و صحابه چنین عمل کرده اند و سیره مستمر مسلمانان بر این روال بوده است؛ زیرا این عمل از شعایر آشکار و به نماز عید شبیه است. حتی طحاوی در این زمینه مبالغه کرده و گفته است که اقامه نماز تراویح به صورت جماعت، واجب کفایی است. اما مالک، ابو یوسف و برخی علمای شافعی و دیگران معتقدند که اقامه این نماز به صورت فرادی و در منزل افضل است؛ زیرا پیامبر (ص) فرموده است: «افضل الصلاة صلاة المرء في بيته إلا المكتوبة؛ بهترین نماز مرد غیر از نماز واجب، نمازی است که به صورت فرادی و در منزلش به جای آورد.» و در استناد این سخن به پیامبر (ص) اتفاق نظر وجود دارد.^{۳۲}

شوکانی گفته است:

خاندان پیامبر (ص) معتقدند که خواندن این نماز به صورت جماعت بدعت است.^{۳۳}

عبدالرحمن جزیری در کتاب «الفقه علی المذاهب الاربعه»، اقوال در مسأله را این

۳۱. الخلاف، ج ۱، ص ۵۲۸، مسأله ۸ و ۲ از کتاب الصلاة.

۳۲. شرح صحیح مسلم، نووی، ج ۶، ص ۲۸۶.

۳۳. نیل الاوطار، ج ۳، ص ۵۰.

گونه بیان کرده است :

مالکیه معتقدند به جماعت خواندن نماز تراویح مستحب است، اما به جماعت خواندن دیگر نوافل، گاهی مکروه و گاهی جایز است. خواندن آنها در مسجد و در صورتی که با تعداد زیادی، به جماعت خوانده شود و یا در جایی که افراد زیادی رفت و آمد می کنند، مکروه است. اما در منزل و یا جایی که مردم در آن رفت و آمد نمی کنند و همچنین در صورتی که مردم کمی در جماعت حاضر باشند، جایز است.

حنفیه معتقدند به جماعت خواندن نماز تراویح و نماز میت، مستحب کفایی است و به جماعت خواندن باقی نوافل و نماز وتر در غیر ماه رمضان، در صورتی که مأمومین از سه نفر تجاوز کنند، مکروه است. اما در مورد نماز وتر ماه رمضان، دو قول وجود دارد: یک قول این است که به جماعت خواندن آن در ماه رمضان مستحب است و قول دوم این است که مستحب نیست، بلکه جایز است و این قول رجحان دارد.

شافعیه معتقدند به جماعت خواندن نماز عید فطر و قربان و نماز استسقاء و نماز کسوف و تراویح و وتر ماه رمضان، مستحب است. و حنابله معتقدند به جماعت خواندن برخی نوافل از قبیل نماز استسقاء و تراویح و عید فطر و قربان مستحب است و به جماعت خواندن برخی دیگر مانند نماز تهجد و نافله های نمازهای واجب، مباح است.^{۳۴}

۶. جماعت خواندن نماز تراویح در حدیث پیامبر (ص)

در فصل آینده بیان خواهیم کرد که از ظاهر روایات و سخن خلیفه دوم، عمر بن خطاب و گفتارهای شارحان آن، بر می آید که مشروعیت به جماعت خواندن نوافل ماه رمضان از عمل خلیفه دوم ناشی شده، نه از عمل پیامبر (ص). اما برخی معتقدند که

۳۴. الفقه علی المذاهب الاربعه، ص ۴۰۷، کتاب الصلاة.

مشروعیت آن از اقامهٔ این نماز توسط مسلمانان پشت سر پیامبر، در برخی شبهای ماه رمضان سرچشمه گرفته است، هر چند این شبها از یک تا سه شب تجاوز نمی کند. به نظر ما نصوصی که بر این مطلب دلالت می کنند مختلفند و برخی از آنها نادر هستند. اینک به آنها اشاره می کنیم:

۱. اقامهٔ نماز تراویح به صورت جماعت در یک شب:

مسلم از زید بن ثابت نقل کرده است که:

احتجّر رسول الله (ص) حجيرة بخصفة أو حصیر فخرج رسول الله (ص) یصلی فیها، قال فتتبع إلیه رجال و جاءوا یصلون بصلاته، قال: ثمّ جاءوا لیلة فحضروا و ابطا رسول الله (ص) عنهم، قال: فلم یخرج إلیهم فرفعوا أصواتهم و حصبوا الباب، فخرج إلیهم رسول الله (ص) مغضباً، فقال لهم رسول الله (ص): ما زال بکم صنیمکم حتی ظننت أنه سیکتب علیکم، فعلیکم بالصلاة فی بیوتکم، فانّ خیر صلاة المرء فی بیته إلا الصلاة المكتوبة؛^{۳۵}

رسول خدا از لیف خرما یا حصیر اطاقکی ساخت. آنگاه درون آن رفت تا نماز بخواند. عده ای از مردم به دنبال او وارد اطاق شدند تا با او نماز بخوانند. پس از آن شبی دیگر به آنجا آمدند ولی رسول خدا (ص) تأخیر کرد و برای نماز حاضر نشد. مردم که این وضعیت را دیدند صدای خویش را بلند کرده به شدت درخانه پیامبر (ص) را کوبیدند. رسول خدا (ص) خشمگین بیرون آمد و به آنان فرمود: آنقدر اصرار بر کار خویش دارید که فکر کردم به زودی از جانب خدا چیزی بر شما واجب شود. بر شما باد به نماز خواندن در خانه هایتان؛ زیرا بهترین نماز - به جز نماز واجب - نمازی است که در خانه خوانده شود.

تفسیر واژه های حدیث

۱. حُجَّیرَه (به ضمّ حاء)، مصغّر حُجره، به معنای اطاقک است. این که واژه حصیر بر خصفه عطف شده، نشان می دهد که راوی در این که اطاقک از چه ساخته شده بود،

۳۵. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۸۸، باب استحباب نماز نافله در خانه و جواز آن در مسجد.

تردید داشته است. معنای این جمله این است که پیامبر(ص) فضایی از مسجد را با لیف خرما و یا حصیر، محصور کرد تا در آن نماز بخواند و هنگام نماز خواندن کسی از جلوی او عبور نکند و سرو صدا نباشد و شرایط خشوع و حضور قلب وی آماده باشد.

۲. فتیح إليه رجال، یعنی مردم به دنبال او به آن اطاقک رفتند.

۳. حصبوا الباب، یعنی با سنگ کوچک به در کوبیدند تا به او یاد آوری کنند. آنها

گمان می کردند پیامبر(ص) فراموش کرده برای نماز از خانه خارج شود.

اگر حدیث فوق صحیح باشد، نشان می دهد که مسلمانان یک بار نوافل ماه رمضان را با پیامبر(ص) به جماعت و بدون این که اجازه گرفته باشند و ایشان نیز اجازه داده باشد، به جا آوردند، اما چون شب دیگر آمدند تا دوباره با پیامبر(ص) این نمازها را بخوانند، رسول خدا(ص) تأخیر کرد و از خانه اش خارج نشد؛ از این رو صداهای خود را بالا برده و با سنگ در را کوبیدند. رسول خدا(ص) با عصبانیت از خانه اش خارج شد و آن مطالب را بیان فرمود.

با این حدیث، مشروعیت به جماعت خواندن نماز تراویح ثابت نمی شود؛ زیرا مردم بدون این که از پیامبر(ص) سؤالی کرده یا حکم مسأله را جویا شده باشند به پیامبر(ص) اقتدا کردند و در شب دوم نه تنها جماعتی برگزار نشد، بلکه به دلیل رفتار عیب جویانه ای که از آنان نسبت به پیامبر(ص) صادر شد و اصرار کردند تا برای اقامه نوافل، جماعت بر پا شود، نشانه های غضب از چهره رسول خدا(ص) نمایان شد.

۲. اقامه نماز تراویح به جماعت در دو شب

روایات دیگری بر خلاف روایت اوّل وجود دارد که نشان می دهد نماز تراویح در دو

شب به جماعت اقامه شده است:

بخاری از عروة بن زبیر از عایشه، أمّ المؤمنین، نقل کرده است که:

رسول خدا(ص) یک شب در مسجد نماز خواند و مردم به او اقتدا کردند. شب

بعد نیز نماز خواند و مردمان زیادی برای نماز اجتماع کردند. مردم در شب سوم

و چهارم نیز جمع شدند تا با پیامبر(ص) نماز بخوانند، اما پیامبر(ص) از خانه خارج نشد. چون صبح شد، فرمود: عمل شما را دیدم و هیچ چیز مانع خارج شدن من از خانه نشد، مگر این که ترسیدم که این کار بر شما واجب شود. این حادثه در ماه رمضان اتفاق افتاد. ۳۶

این حدیث را مسلم نیز در صحیحش، نقل کرده است. ۳۷

۳. اقامه نماز تراویح به صورت جماعت در سه شب

بخاری از عروه نقل کرده که عایشه به او خبر داده است که:

رسول خدا(ص) در دل شب از خانه اش خارج شد و در مسجد نماز خواند و عده ای به او اقتدا کردند. صبح آن روز مردم با هم در این مورد صحبت کردند و برای شب بعد عده بیشتری برای نماز آمدند و با او نماز خواندند. صبح روز بعد نیز مردم در باره این موضوع با هم صحبت کردند و برای شب سوم عده بیشتری برای نماز خواندن پشت سر پیامبر اجتماع کردند. در شب چهارم، مسجد گنجایش نماز گزاردن را نداشت تا این که پیامبر برای نماز صبح به مسجد آمد. پس از اقامه نماز صبح به مردم رو کرد و پس از ادای شهادت به یگانگی خدا فرمود: «أما بعد فأنه لم يخف علي مكانكم و لكتي خشيت أن تفرض عليكم فتعجزوا عنها» آمدن شما به اینجا بر من مخفی نبود، اما من ترسیدم که این عمل بر شما واجب شود و شما از عهده آن برنایید. آنگاه رسول خدا(ص) وفات کرد و مردم همچنان بر همین روال عمل می کردند. ۳۸

این حدیث را مسلم نیز در صحیحش نقل کرده است. ۳۹

بیهقی از ابوذر روایت کرده است که:

۳۶. صحیح بخاری، ج ۲، ص ۴۹، باب «تشریح پیامبر(ص) به نماز شب».
 ۳۷. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۷۷، باب «الترغیب فی قیام شهر رمضان».
 ۳۸. صحیح بخاری، ج ۳، ص ۴۵، باب «فضل من قام رمضان».
 ۳۹. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۷۷، باب «الترغیب فی قیام شهر رمضان».

با رسول خدا(ص) روزه گرفتیم ولی او نوافل شبهای ماه رمضان را با ما نخواند تا اینکه هفت شب به پایان ماه رمضان باقی ماند. آنگاه این نمازها را تا یک سوم شب با ما اقامه کرد. آنگاه در شب سوم این نمازها را با ما نخواند و در شب پنجم این نمازها را تا پاسی از شب با ما خواند. عرض کردیم: ای رسول خدا(ص) اگر باقی شب را همچنان نافله بخوانیم چه حکمی دارد؟ پیامبر(ص) فرمود: کسی که تا وقتی امام نماز می خواند، با او نماز بخواند، نماز یک شب کامل به حساب او نوشته می شود. سپس این نمازها را با ما نخواند تا این که سه روز به پایان ماه مانده بود. در سه شب مانده به پایان ماه، این نمازها را با ما خواند و خانواده اش را فراخواند و با ما به قدری نماز خواند که ترسیدیم سحر شود.^{۴۰}

طبق این روایت، پیامبر(ص) در شب بیست و چهارم (یا طبق قول برخی دیگر شب بیست و سوم)^{۴۱} و بیست و ششم و بیست و هفتم، برای نماز از خانه خارج شد. اینها عمده روایاتی بود که در این زمینه وارد شده است. اما تمسک به مضمون این روایات برای اثبات استحباب اقامه نمازهای نافله در شب های ماه رمضان به جماعت به دلایل ذیل مشکل است:

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. اختلاف روایات فوق در تعداد، زمان و ترتیب شبها

این روایات در سه مورد با هم تعارض و اختلاف دارند:

مورد اوّل: در این روایات در مورد مقدار شبهایی که پیامبر(ص) در آنها نوافل را به جماعت اقامه کرده است، تعارض وجود دارد و این تعارض مشکل ساز است؛ زیرا هر یک از آنها در صدد بیان تعداد این شبها بوده اند. بنابراین آیا مطابق مضمون روایت اوّل، پیامبر(ص) یک شب نماز تراویح را به جماعت خوانده است یا مطابق مضمون دو روایت

۴۰. سنن بیهقی، ج ۲، ص ۴۹۴، باب «من زعم أنّها بالجماعة أفضل»، این روایت را شوکانی نیز در نیل الاوطار، ج ۳، ص ۵۰، نقل کرده و گفته: پنج تن از صاحبان صحاح آن را روایت کرده اند، ولی ترمذی آن را صحیح هم دانسته است.

اخیر، دو یا سه شب؟ این نشان می دهد که راویان این جریان، واقعیت را به طور دقیق ضبط نکرده اند.

مورد دوم: در این روایات در مورد ترتیب شبها اختلاف وجود دارد؛ زیرا طبق تصریح روایت بخاری که در آن آمده بود: «عده ای به پیامبر (ص) اقتدا کردند، آنگاه شب بعد نیز نماز خواند»، شبهایی که پیامبر (ص) نماز تراویح را به جماعت خوانده، متوالی بوده است. اما مطابق تصریح روایت ابوذر، این شبها متوالی نبوده اند؛ زیرا پیامبر (ص) در شبهای بیست و چهارم، بیست و ششم و بیست و هشتم با آنها نماز تراویح را اقامه کرده است.

مورد سوم: در این روایات در مورد تاریخ این شبها نیز اختلاف وجود دارد. آنچه از اکثر این روایات فهمیده می شود این است که پیامبر (ص) در اوایل ماه رمضان با آنها نماز تراویح را به جا آورده است، در صورتی که صریح روایت ابوذر این است که پیامبر (ص) این نماز را در دهه آخر ماه رمضان به جماعت خوانده است.

با توجه به این اختلافها چگونه می توان به مضامین این روایات اطمینان کرد؟!

۲. وابسته نبودن تشریح احکام شرعی به تمایل و رغبت مردم

این سخن پیامبر (ص) که «... خشیت آن تفرض علیکم فتعجزوا عنها؛ یعنی: ترسیدم که این عمل بر شما واجب شود و شما از عهده آن بر نیایید»، حاکی از آن است که تشریح احکام شرعی، تابع استقبال و پشت کردن و دست کم، تابع استقبال مردم از یک عمل است و معنای این سخن این است که اگر مردم به عملی رغبت نشان دهند ممکن است آن عمل واجب شود، در صورتی که معیار وجوب یک عمل، وجود مصلحت شدید در آن عمل است، خواه مردم، رغبتی به آن عمل نشان بدهند و خواه نشان ندهند. بنابراین تشریح احکام خداوند تابع تمایل یا عدم تمایل مردم نیست، بلکه تابع ملاکات واقعی است؛ به این معنا که وجود مصلحت شدید، موجب تشریح یک حکم و نبود آن مصلحت، موجب عدم تشریح می شود.

شارحان صحیحین چون متوجه این اشکال شدند، برای حل آن به تکاپو افتادند؛ این

حجر در شرح جمله «إلا إني خشيت أن تفرض عليكم يعني: اما من ترسیدم که این عمل بر شما واجب شود»، چنین گفته است:

این حدیث نشان می‌دهد که انتظار می‌رود مواظبت بر جماعت خواندن نمازهای نافله شبهای ماه رمضان، موجب تشریح و جوب آن شود. ابن حجر در ادامه می‌گوید: و این اشکال دارد.

هر چند ابن حجر از بیان مقصودش از «اشکال» خودداری کرده است اما ممکن است این اشکال به دو امر اشاره داشته باشد:

۱. این که احکام شرعی تابع ملاکات واقعی است نه تمایل و عدم تمایل مردم.
۲. این که در شریعت مقدس اموری مانند استنشاق و مضمضه کردن، وجود دارد که پیامبر(ص) و مسلمانان بر آنها مواظبت داشته‌اند، اما هیچ‌گاه واجب نشدند، همان‌گونه که اموری وجود دارد که بسیاری از مسلمانان حتی در زمان پیامبر(ص) به آنها رغبتی نشان ندادند، چه رسد به پس از پیامبر(ص) اما در عین حال آن احکام نسخ نشدند. برای مثال می‌توان از حکم جهاد نام برد که برخی از مسلمانان از آن شانه خالی کردند، به طوری که با سرزنش و نکوهش خداوند روبه‌رو شدند، آنجا که فرمود:

يا أيها الذين آمنوا مالكم إذا قُبل لكم أنفروا في سبيل الله أثأقلمتم إلى الأرض
أرضيتم بالحياة الدنيا من الآخرة؟^{۴۲}

ای کسانی که ایمان آورده‌اید چرا هنگامی که به شما گفته می‌شود: «به سوی جهاد در راه خدا حرکت کنید» بر زمین سنگینی می‌کنید؟ آیا به زندگی دنیا به جای آخرت راضی شده‌اید؟

برخی از امامان اهل بیت(ع) مانند امام باقر(ع) و امام صادق(ع) سخن پیامبر(ص) را با اصحابش که اصرار داشتند نوافلشان را با او به صورت جماعت بخوانند نقل کرده‌اند، اما اشاره‌ای به تعلیل مزبور نکرده‌اند. آنها سخن پیامبر(ص) را چنین نقل کرده‌اند:

۴۱. الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۲۵۱.

۴۲. توبه، آیه ۳۸.

ان رسول الله حمد الله و اثنى عليه ، ثم قال : أيها الناس ان الصلاة بالليل في شهر رمضان من النافلة في جماعة بدعة و صلاة الضحى بدعة ، الا فلا تجتمعوا ليلاً في شهر رمضان لصلاة الليل ... »؛ ۴۳

رسول خدا پس از حمد و ثنای الهی فرمود: ای مردم! به جماعت خواندن نوافل شبهای ماه رمضان، بدعت است و نماز ضحاً بدعت است. آگاه باشید! هیچ گاه برای انجام نوافل شبهای ماه رمضان، اجتماع نکنید ...

ملاحظه می فرمایید که رسول خدا(ص) طبق نقل فوق، عدم حضورش را برای اقامه نوافل شبهای ماه رمضان به جماعت، چنین تعلیل می کند که این کار غیر مشروع است، نه از ترس این که این عمل بر آنها واجب شود.

۳. مخالف بودن تعلیل موجود در این روایات با ندای شب معراج صاحبان صحاح و سنن از آنس بن مالک روایت کرده اند که گفت:

در شب معراج بر پیامبر(ص) پنجاه نماز واجب شد. سپس از این مقدار کم شد تا اینکه به پنج رسید. آنگاه ندایی رسید که ای محمد! این حکم تغییر نمی کند و برای تو با همین پنج نماز، ثواب پنجاه نماز است. ۴۴

عسقلانی می گوید:

خطابی، اصل این ترس پیامبر را زیر سؤال برده است و دلیلش این است که در حدیث اسراء آمده است که: «خداوند فرمود: نمازهای واجب پنجاه بوده که به پنج تغییر یافته و این حکم تغییر نمی کند.» بنابراین اگر تعداد نمازهای واجب تغییر نمی کند، چگونه ممکن است از زیاد شدن آنها، ترسی وجود داشته باشد. ۴۵

۴۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۸۷، کتاب الصوم.

۴۴. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۷۵، باب «کیف فرضت الصلوات فی الاسراء»؛ سنن ترمذی، ج ۱، ص ۴۱۷، باب «کم فرض الله علی عباده من الصلوات»، حدیث ۲۱۳، والفاظ حدیث از ترمذی است.

۴۵. فتح الباری، ج ۳، ص ۱۰.

عسقلانی و قسطلانی از شارحان روایات هم، توجیحات و چاره جوییهایی کرده‌اند که مشکلی را حل نمی‌کند. قسطلانی در «ارشاد الساری» از صاحب «شرح التقریب»، این توجیحات را ذکر و سخن او را نقل کرده است که:

با این حال، مسأله مشکل است و کسی را سراغ ندارم که از راز آن پرده برداشته باشد. ۴۶

۴. تمایل صحابه، ملاک تشریح حکم در حق نسلهای آینده نیست

بر فرض که صحابه اهتمامشان را به اقامه نماز تراویح به صورت جماعت ابراز کرده باشند، آیا این ابراز تمایل می‌تواند ملاک تشریح آن بر دیگران شود در حالی که این جریان در زمانی روی داده است که در آن نسبت غایبان به حاضران بسیار ناچیز است؛ زیرا مسجد النبوی (ص) در آن زمان مکان محدودی بوده است که گنجایش کمتر از شش هزار نفر را داشته است. در کتاب «الفقه علی المذاهب الخمسه» آمده است:

مسجد رسول الله (ص) در آغاز ۳۵ متر در ۳۰ متر بوده است. سپس رسول خدا (ص) محدوده آن را گسترش داد و آن را ۵۷ متر در ۵۰ متر قرار داد. ۴۷

آیا صحیح است که اهتمام و تمایل آن گروه از مسلمانان را به نماز تراویح، کاشف از اهتمام تمامی مردم در طی تمامی عصرها تا روز قیامت بدانیم؟

۵. قدر متیقن از عمل پیامبر (ص)

بر فرض که مضامین این روایات صحیح باشد، اما روایت صحیح مسلم و روایت صحیح بخاری چنین می‌نمایند که پیامبر (ص) در دل شب از خانه خارج شد و در مسجد نماز خواند و این عبارت کنایه از این است که او در مسجد، نوافل شب را که از هشت رکعت تجاوز نمی‌کند، خوانده است. بنابراین چه بگوییم که او یک شب از خانه برای نماز

۴۶. ارشاد الساری، ج ۳، ص ۴۲۸.

۴۷. الفقه علی المذاهب الخمسه، ص ۲۸۵۰.

خارج شده است یا دو، سه و چهار شب، در هر صورت او برای اقامه نوافل شب از خانه خارج شده و برخی از صحابه هم به او اقتدا کرده اند. بنابراین قدر متیقن از عمل پیامبر (ص) همین مقدار از نماز است. این مطلب با اقامه تراویح در سراسر ماه رمضان و در هر شب، بیست رکعت که پس از هر چهار رکعت استراحتی وجود دارد و مجموعاً پس از پایان ماه ششصد رکعت می شود، تفاوت فراوانی دارد!؟

اگر قایل شویم که با عمل پیامبر (ص)، تشریح صورت می گیرد، تنها همین مقدار اندک تشریح می شود و دلیلی برای تشریح بیش از این مقدار وجود ندارد. عبدالرحمن جزیری در کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه، می گوید:

مسلم و بخاری روایت کرده اند که پیامبر (ص) در دل شبهایی از ماه رمضان که سه شب جدا از هم بود، یعنی شب های بیست و سوم، بیست و پنجم و بیست و هفتم، از خانه خارج شد و در مسجد نماز خواند و مردم هم به او اقتدا کردند. پیامبر (ص) با مردم هشت رکعت نماز خواند و باقیمانده آن را در خانه هایشان تکمیل کردند و زمزمه نیایش و نماز آنها مانند صدای زنبوران به گوش می رسید.

جزیری می گوید:

از این سخن معلوم می شود که پیامبر (ص) با این عمل، نماز تراویح و به جماعت خواندن آن را تشریح کرده است، اما او بیست رکعت نمازی را که از عهد صحابه و بعد از آن تا به حال رسم است با آنها نخوانده است. ۴۸

قسطلانی از جمله کسانی است که متوجه این اشکال شده و چنین گفته است:

۱. پیامبر (ص) به جماعت خواندن نماز تراویح را تشریح نکرده است.
۲. این کار در زمان ابوبکر هم اتفاق نیفتاد.
۳. این عمل پیامبر (ص) در شب اول ماه رمضان نبود.
۴. در تمام شبهای ماه رمضان هم نبود.
۵. مقدار آن به مقدار رکعاتی که در نماز تراویح وجود دارد نبوده است.

۴۸. الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۲۵۱.

آنگاه وی برای اثبات مشروعیت به جماعت خواندن نماز تراویح، به اجتهاد خلیفهٔ دوم تمسک می‌کند که مفصلاً به آن خواهیم پرداخت.

عینی گفته است:

رسول خدا(ص) جماعت خواندن نماز تراویح را برای صحابهٔ خود تشریح نکرد و در زمان ابوبکر هم این اتفاق نیفتاد. در شرعیت این عمل تنها به اجتهاد عمر و استنباط این حکم از این کلام پیامبر(ص) اعتماد شده است که پیامبر(ص) اقرار کرده است که مردم دو شب پشت سر او نماز نافله خوانده‌اند.^{۴۹}

شاطبی هم در این زمینه گفته است:

از جمله علمای صالح گذشته‌ای که این مطلب را خاطر نشان کرده، ابو امامه باهلی است. وی گفته است: نمازهای ماه رمضان را شما درست کردید، در حالی که چنین چیزی واجب نبود. فقط روزه بر شما واجب بود. پس همچنان به نماز خواندن ادامه دهید و آن را رها نکنید؛ زیرا عده‌ای از بنی اسرائیل بدعت‌هایی گذاشتند که خداوند آنها را واجب نکرده بود، می‌خواستند به این وسیله رضایت خدا را جلب کنند اما آنچنان که باید، آن را رعایت نکردند و خداوند به سبب ترك آنها، سرزنشان کرد و فرمود: «ورهبانیه ابتدعواها یعنی: و رهبانیتی که بدعت گذاشتند».^{۵۰}

بنابراین توجیهی برای بیش از آنچه پیامبر(ص) انجام داده غیر از عمل خلیفهٔ دوم وجود ندارد و به زودی از آن سخن خواهیم گفت.

۶. به جماعت خواندن نماز تراویح عملی لغو و غیر مشروع

احکامی که خداوند تشریح می‌کند لغو و بیهوده نیست. بنابراین با توجه به این که خداوند قانون‌گذار است و عمل خداوند از هر گونه لغو و عبثی میراست، پرسشهای زیر

۴۹. عمدة القاری، ج ۱۱، ص ۱۲۶.

۵۰. الاعتصام، ج ۲، ص ۲۹۱.

مشروعیت به جماعت خواندن نوافل ماه رمضان در عصر پیامبر (ص) را زیر سؤال می برد:

۱. به جماعت خواندن این نماز در عصر پیامبر (ص) از دو صورت خارج نیست:

صورت اول: اقامه این نمازها به صورت جماعت امری مشروع بوده و خداوند سبحان آن را برای پیامبر (ص) تشریح کرده تا به جماعت بخواند.

صورت دوم: اقامه این نمازها به صورت جماعت مشروع نبوده و به جماعت خواندن، به نمازهای واجب اختصاص دارد.

با توجه به مطالب فوق این پرسشها مطرح است که اگر به جماعت خواندن این نمازها مشروع است، پس چرا پیامبر (ص) در طول حیاتش این سنت را رها کرده است، بلکه می بایست گاهی اوقات به مشروعیت آن عینیت می بخشید و از این که این عمل، واجب شود نمی ترسید، درحالی که نه تنها تا زنده بود چنین کاری نکرد، بلکه با خشم از خانه خارج و مانع این عمل شد؟! این نشان می دهد که صورت دوم، واقعیت دارد و اقامه هر نوع نافله و نافله های ماه رمضان به صورت جماعت غیر مشروع است. به همین دلیل این عمل در زمان پیامبر و عصر خلیفه اول و دو سال اول خلافت خلیفه دوم، متروک بود و تنها پس از آن بود که برای خلیفه دوم تحوکی حاصل شد.

۲. اگر اقامه نماز تراویح به صورت جماعت در شریعت اسلامی مشروع است طبیعی است که باید از نظر وقت، به زمان خاصی از شب محدود باشد و در این صورت این سؤال مطرح می شود که آیا این نماز بایستی در اوایل شب اقامه شود یا اواسط یا اواخر آن؟ همچنین باید از نظر تعداد رکعات هم به رکعات خاصی محدود باشد تا نماز گزاران در سردرگمی نباشند.

همچنان که روایات قبلی نشان می داد، پیامبر (ص) هشت رکعت از این نماز را در مسجد خواند و باقی آن را در خانه انجام داد. در اینجا این سؤال مطرح است که چرا پیامبر تعداد رکعات را معین نکرد و قضیه را مبهم گذاشت تا عمر بن خطاب بعد از او بیاید و تعداد رکعات این نماز را بدون این که به پیامبر (ص) نسبت دهد بیست رکعت معین کند، و با توجه به این که عمل و سخن صحابه در صورتی برای دیگران حجت است که مستند به

معصوم باشد، چگونه می‌توان به عمل عمر بن خطاب استدلال کرد؟

۳. عمر بن عبدالعزیز چیزی را در شریعت داخل کرد که در آن نبود و در نظر خودش دلیل این کار این بود که اهل مدینه و مکه از فضیلت و ثواب یکسان شوند. اینک این سؤال مطرح است که عمر به چه مجوزی این کار را کرد؟ زیرا فتح این باب برای عمر بن عبدالعزیز و امثال او، شریعت مقدس اسلام را به محلی تبدیل کرد که هر رهگذری بر آن وارد شود و بازیچه‌ای به دست زمامداران قرار داد تا مطابق نظرات خویش در آن حکمفرمایی کنند.

۴. عمر بن عبدالعزیز تعداد رکعات این نماز را ۳۶ رکعت قرار داده است و دلیلش هم این بوده که اهل مکه پس از هر چهار رکعت نماز، یک دور طواف می‌کنند. بر این اساس بایستی غیر اهل مکه به جای هر دور طواف، چهار رکعت نماز بخوانند.

اگر این استدلال صحیح باشد (یعنی اهل مکه پس از هر چهار رکعت، یک دور طواف می‌کرده‌اند) بایستی تعداد رکعات این نماز را چهل رکعت قرار می‌داد؛ زیرا اهل مکه پس از هر چهار رکعت نماز، یک دور طواف می‌کرده‌اند و بدیهی است که آنها (طبق این تعبیر)، پس از بیست رکعت، طواف دیگری انجام می‌داده‌اند؛ بنابراین تعداد دفعات طواف به عدد پنج می‌رسد. پس اگر به جای هر طواف، چهار رکعت جایگزین شود، رکعات افزوده شده. به اضافه رکعات اصلی، به چهل رکعت می‌رسد؛ یعنی بیست رکعت به جای طواف به علاوه بیست رکعت که در اصل، تشریح شده است.

آری بر اساس نقل ابن قدامه که طوافها بین هر استراحت و بعد از چهار رکعت بوده است، تعداد دفعات طواف، چهار طواف می‌شود و در این صورت تعداد رکعات نماز به سی و شش رکعت می‌رسد.

۷. اختلاف شدید فقها در تعداد رکعات نماز تراویح

فقها در تعداد رکعات نماز تراویح اختلاف شدیدی دارند. خرقی در مختصر گفته

است:

نماز تراویح که در ماه رمضان اقامه می‌شود، بیست رکعت است.

ابن قدامه در شرح خود بر مختصر خرقی گفته است :

قول مختار امام احمد بن حنبل، این است که این نماز، بیست رکعت است. ثوری، ابوحنیفه و شافعی هم همین قول را دارند. مالک گفته است: سی و شش رکعت است و گمان کرده این مقدار، سنتی قدیمی است و به عمل اهل مدینه مربوط می شود. ۵۱

مستند کسانی که این نماز را بیست رکعت دانسته اند، عمل خلیفه دوم، عمر بن خطاب است در حالی که دلیل کسانی که این نماز را سی و شش رکعت دانسته اند، عمل عمر بن عبدالعزیز است. عبدالرحمن جزیری در کتاب «الفقه علی المذاهب الاربعه» گفته است:

تعداد رکعات نماز تراویح، به هشت رکعتی که پیامبر(ص) با مردم خواند محدود نیست؛ زیرا آنان بقیه نماز را در خانه هایشان تکمیل کردند. عمل عمر نشان می دهد که این نماز بیست رکعت است؛ زیرا عمر در اواخر عمرش مردم را در مسجد برای خواندن بیست رکعت جمع کرد و صحابه هم با او موافقت کردند. آری در دوره خلافت عمر بن عبدالعزیز، تعداد رکعات این نماز به سی و شش رکعت افزایش یافت و هدف او از این افزودن این بود که اهل مکه با اهل مدینه در فضل یکسان شوند؛ زیرا اهل مکه پس از هر چهار رکعت از رکعات نماز تراویح، یک دور، گرد خانه خدا طواف می کردند. از این رو عمر بن عبدالعزیز صلاح دید که به جای هر دور طواف، چهار رکعت به رکعات نماز تراویح افزوده شود. ۵۲

ممکن است تصور شود که اختلاف فقها در این زمینه، به همین دو قول محدود می شود. اما این اختلاف به حدی گسترده است که نظیر آن در ابواب عبادات کمتر به چشم می خورد. برخی از فقها معتقدند که تعداد رکعات این نماز ۱۳ رکعت است. برخی دیگر

۵۱. المغنی، ج ۲، ص ۱۳۷ و ۱۳۸.

۵۲. الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۲۵۱، کتاب الصلاة، مبحث نماز تراویح.

قایلند ۲۰ رکعت است. گروهی دیگر می گویند ۲۴ رکعت است و گروهی دیگر می گویند ۲۸ رکعت است. برخی از فقها اعتقاد دارند ۳۶ رکعت است. دسته ای دیگر می گویند ۳۸ رکعت است. قولی هم وجود دارد که می گویند ۳۹ رکعت است. عده ای دیگر قایلند ۴۱ رکعت است و عده ای هم می گویند ۴۷ رکعت است و ... ۵۳

شایسته است تمامی حدود، از جمله تعداد رکعات این عبادت گروهی که امت اسلامی هر ساله در ماه رمضان به جا می آورند از زبان رسول خدا(ص) بیان شده باشد. اما این نماز از جهات مختلف دستخوش ابهام شده و این نشان می دهد که در این زمینه نصی از جانب پیامبر(ص) وجود ندارد و رغبتی هم از جانب او نسبت به اقامه این نماز پس از وفاتش وجود نداشته است؛ زیرا سنتی که مؤکد و مورد رغبت رسول خدا(ص) است، از ابهام به دور است.

۷. به جماعت خواندن نماز تراویح در گفتار عمر

در دوران زندگانی پیامبر و خلیفه اول و دو سال اول خلیفه دوم، برای نوافل ماه رمضان جماعت تشکیل نشد، بلکه مسلمانان این نمازها را در خانه و مساجد به صورت فرادی می خواندند. اما پس از گذشت دو سال از خلافت خلیفه دوم، او به این فکر افتاد که نماز گزاران پراکنده در مسجد را جمع کند تا این نماز را به یک امام بخوانند. روایاتی که مسلم و بخاری در این زمینه نقل کرده اند مؤید این مطلب است:

بخاری از ابو هریره روایت کرده است که رسول خدا(ص) فرمود:

من قام شهر رمضان ایماناً و احتساباً غفرله ما تقدم من ذنبه؛

کسی که در ماه رمضان از روی ایمان و با قصد قربت از خواب برخیزد و نماز

بخواند، تمامی گناهان گذشته اش بخشوده می شود.

ابن شهاب می گوید:

۵۳. فتح الباری، ج ۴، ص ۲۰۴؛ ارشاد الساری، ج ۳، ص ۴۲۶؛ عمدة القاری، ج ۱۱، ص ۱۲۶. در

این منابع در جمع بین این اقوال پراکنده تکلف شده است.

پس از رحلت رسول خدا(ص) و در عصر خلافت ابوبکر و آغاز خلافت عمر، رفتار مسلمانان بر همین روال بود. ۵۴

این حدیث را مسلم نیز در صحیحش نقل کرده است. ۵۵

شارحان این حدیث، جمله «پس از رحلت رسول خدا(ص) و خلافت ابوبکر رفتار مسلمانان بر همین روال بود» را چنین تفسیر کرده اند که مسلمانان در این دوران، این نماز را به صورت جماعت نمی خواندند و رسول خدا(ص) مردم را برای به جماعت خواندن این نماز جمع نمی کرد. ۵۶

بدرالدین عینی گفته است:

جمله «مردم بر این روال رفتار می کردند»، بدین معناست که این نماز را به جماعت نمی خواندند. اگر کسی سؤال کند: ابن وهب از ابو هریره روایت کرده که: «رسول خدا(ص) در ماه رمضان از خانه بیرون آمد و دید که مردم در گوشه ای از مسجد مشغول خواندن نماز هستند. آنگاه فرمود: این چیست؟ گفته شد: مردم پشت سر ابی بن کعب نماز می خوانند. پیامبر فرمود: کار خوبی انجام دادند»- این جریان را ابن عبدالبر نقل کرده است- در پاسخ می گوئیم: در سلسله سند این حدیث، مسلم بن خالد که شخص ضعیفی است وجود دارد. مسلم است که عمر، کسی بود که مردم را برای نماز خواندن پشت سر ابی بن کعب گرد آورد. ۵۷

قسطلانی گفته است:

عبارت «مردم بر همین روال عمل می کردند» یعنی نماز تراویح را به جماعت نمی خواندند و در زمان خلافت ابو بکر هم، چنین بود... ۵۸

۵۴. صحیح بخاری، ج ۳، ص ۴۴، باب «فضل من قام رمضان»، کتاب الصوم.

۵۵. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۷۶، باب «الترغیب فی قیام رمضان».

۵۶. فتح الباری، ج ۴، ص ۲۰۳.

۵۷. عمدة القاری فی شرح صحیح البخاری، ج ۶، ص ۱۲۵، همین سؤال و جواب در «فتح الباری» نیز آمده است.

۵۸. ارشاد الساری، ج ۳، ص ۴۲۵.

نووی نیز در شرح عبارت فوق گفته است:

این عبارت که «پس از رحلت پیامبر(ص) مردم بر همین روال عمل می کردند»، یعنی در طول حیات پیامبر(ص) هر فردی نوافل رمضان را در خانه اش و به صورت فرادی اقامه می کرد تا این که مقداری از خلافت عمر سپری شد، آن گاه عمر مردم را جمع کرد تا این نمازها را پشت سر ابی بن کعب بخوانند. از آن وقت به بعد مردم این نماز را به صورت جماعت می خوانند. ۵۹

نووی از عبدالرحمن بن عبدالقاری نیز نقل کرده که گفته است:

شبی در ماه رمضان با عمر بن خطاب از خانه بیرون آمده و با هم به مسجد رفتیم. مردم را دیدیم که به صورت پراکنده، گروهی فرادی نماز می خوانند و گروهی هم به فردی اقتدا کرده اند. عمر گفت: به نظر من اگر مردم با یک امام نماز می خوانند، بهتر بود. سپس بر این کار مصمم شد و مردم را به نماز خواندن با ابی بن کعب گرد آورد. آنگاه شبی دیگر با او از خانه خارج شده، به مسجد آمدیم و دیدیم که مردم نماز تراویح را با ابی بن کعب می خوانند. عمر گفت: «این کار چه بدعت خوبی است، نمازی که بخوانند و بعد از خواب بخوانند، بهتر است از آنکه قبل از خواب بخوانند». مراد عمر این بود که نماز تراویح را آخر شب بخوانند و مردم آن را اوّل شب می خواندند. ۶۰

عبارت «این کار چه بدعت خوبی است» نشان می دهد که به جماعت خواندن این نماز، از سنت های خود خلیفه است و به شرع ارتباطی ندارد و گروهی از علما به این مطلب تصریح کرده اند.

قسطلانی گفته است:

عمر این عمل را بدعت نامید؛ زیرا نه اجتماع کردن برای به جا آوردن آن، سنت پیامبر بوده و نه در زمان ابوبکر این کار انجام می شده و نه این عمل در آغاز شب

۵۹. شرح صحیح مسلم، نووی، ج ۶، ص ۲۸۷.

۶۰. صحیح بخاری، ج ۳، ص ۴۴، باب «فضل من قام رمضان»، کتاب الصوم.

و نه هر شب و نه به این تعداد از رکعات انجام می شده است. (تا آنجا که می گوید:) نوافل شبهای ماه رمضان بدعت نیست؛ زیرا پیامبر (ص) فرموده است:

اقتدوا بالذین من بعدی ابی بکر و عمر؛ از دو نفری که بعد از من هستند؛ یعنی ابوبکر و عمر، پیروی کنید.

و اگر صحابه در این زمینه با عمر همراهی می کردند، دیگر به این عمل بدعت اطلاق نمی شد.

عینی هم گفته است:

عمر این عمل را بدعت نامید؛ زیرا رسول خدا (ص) جواز این عمل را صادر نکرد و در زمان ابوبکر هم این کار انجام نگرفت و رسول خدا (ص) به انجام آن مایل نبود.^{۶۱}

روایاتی وجود دارد که نشان می دهد اوکین فردی که جواز به جماعت خواندن این نماز را وضع کرد، عمر بود که برخی از آنها را نقل می کنیم:

۱. ابن سعد در شرح حال عمر می نویسد:

عمر اوکین کسی بود که نماز تراویح را وضع کرد و مردم را برای به جماعت خواندن آن گرد آورد و این مطلب را به سرزمین های مختلف مملکت اسلامی بخشنامه کرد. این جریان در سال چهاردهم هجری روی داد.^{۶۲}

۲. ابن عبدالبر در شرح حال عمر چنین نوشته است:

عمر اوکین فردی بود که ماه روزه را به نمازهای مستحبی دسته جمعی نورانی کرد.^{۶۳}

۶۱. عمدة القاری، ج ۶، ص ۱۲۶، در نسخه ای که این روایت از آن نقل شده به جای جمله «و رسول خدا (ص) به آن مایل نبود» عبارت «رسول خدا (ص) به آن مایل بود» آمده است. همچنین بعد از این جمله، به جای کلمه «قوله»، واژه «بقوله» آمده است.

۶۲. الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۲۸۱.

۶۳. الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۱۴۵، شماره ۱۸۷۸.

ولید بن شحنه هنگام ذکر وفات عمر در ضمن حوادث سال بیست و سوم هجری

می نویسد:

او اوکین کسی بود که خرید و فروش امّ ولد را منع کرد... و اوکین کسی بود که مردم را گرد آورد تا نماز تراویح را با یک امام بخوانند.^{۶۴}

اگر بر فرض، رسول خدا(ص) به جماعت خواندن نماز تراویح را وضع نکرده و عمر آن را وضع کرده باشد، این سؤال مطرح می شود که - باتوجه به این که هیچ انسانی - حتی رسول خدا(ص) - حق وضع قانون و تشریح را ندارد و رسول خدا(ص) هم اگر چیزی را می فرماید، حکم خدا را ابلاغ می کند - آیا وضع و تشریح خلیفه، در مشروعیت این کار، کافی است؟!

احکامی که خداوند تشریح کرده از طریق وحی به پیامبر اکرم(ص) می رسیده و تنها اوست که حامل وحی الهی بوده است و با مرگ او باب وحی و تشریح و وضع احکام شرعی بسته می شود؛ بنابراین امت تنها می توانند اجتهاد در پرتو کتاب و سنت انجام دهند و هیچ حقی برای تشریح و وضع احکام شرعی ندارند و اگر کسی اعتقاد داشته باشد که به غیر از خداوند، انسانها حق تشریح دارند، معنایش این است که وحی هنوز منقطع نشده است.

ابن اثیر در نهایه اش می گوید:

چون این نماز از افعال خوب و قابل ستایش است، عمر آن را بدعت نامیده و آن را رستوده است، اما عملی نیست که پیامبر(ص) آن را وضع کرده باشد، بلکه چند شب آن را انجام داده، سپس آن را ترك کرده و بر انجام آن محافظت نداشته و مردم را برای به جماعت خواندن آن جمع نکرده است. در زمان ابوبکر هم چنین بود. تنها عمر بود که مردم را برای خواندن آن به جماعت فراخواند و به انجام آن دستور داد و به این دلیل آن را بدعت نامید، در حالی که در حقیقت سنت است؛ زیرا رسول خدا(ص) فرمود: «علیکم بستتی و سنّة الخلفاء الراشدين من بعدی»؛

یعنی: بر شما باد به سنت من و سنت خلفای راشدین پس از من» و همچنین فرمود: «اقتدوا بالذین من بعدی ابی بکر و عمر؛ از کسانی که پس از من می آیند، یعنی عمر و ابوبکر، پیروی کنید». ۶۵

این سخن و سخن هر کس که به جماعت خواندن این نماز را سنت می داند، حاکی از آن است که خلفا یا فقط دو خلیفه اول حق تشریح و قانون گذاری دارند.

اختصاص تشریح به خداوند

این بزرگان با اینکه اعتراف کرده اند که پیامبر (ص) به جماعت خواندن این نماز را تشریح نکرده، عمل خلیفه را برای توجیه به جماعت خواندن آن مطرح کرده اند. معنای این سخن این است که آنها برای عمر حق قانون گذاری و تشریح قایل شده اند و این با اجماع امت در تعارض است؛ زیرا هیچ فردی حق ندارد که پس از اكمال شریعت توسط خداوند، در آن دخالت کند؛ زیرا خداوند فرموده است:

اليوم اكملت لكم دينكم واتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الإسلام ديناً؛ ۶۶

امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین شما پذیرفتم.

سخن عمر با کتاب و سنت در تعارض است؛ زیرا تشریح حق خداوند است و آن را به هیچ کس واگذار نکرده و پیامبر (ص) تنها ابلاغ کننده آن است.

علاوه بر این، اگر به خلیفه دوم در زمینه تشریح و قانون گذاری، چراغ سبز نشان داده شده است، چرا به دیگر صحابه این چراغ سبز نشان داده نشده است با این که برخی از آنها مانند ابی بن کعب، مسلطتر به قرآن و مانند زید بن ثابت داناتر به فرایض و مانند علی بن ابی طالب از هر جهت داناتر بوده اند؟! و اگر به همه صحابه چنین اجازه ای داده شده بود، فساد منتشر می شد و هرج و مرج دامن دین را گرفته و بازیچه ای به دست غیر معصومین می شد.

۶۵. النهایة فی غریب الحدیث والاثار، ج ۱، ص ۱۰۷.

۶۶. مانده، آیه ۳.

اما در مورد تمسک به دو حدیث مزبور باید بگوییم بر فرض که سند آنها درست باشد، نشان نمی دهند که ابوبکر و عمر، حق تشریح داشته اند، بلکه نشان می دهند که به دلیل تکیه آنها به سنت پیامبر اکرم (ص) و نه به دلیل داشتن حق قانون گذاری، باید از آنها پیروی کرد. آری از روایتی که سیوطی از عمر بن عبدالعزیز نقل کرد، استفاده می شود که او اعتقاد داشته خلفا دارای حق قانون گذاری بوده اند. سیوطی می گوید:

حاجب بن خلیفه می گوید: عمر بن عبدالعزیز را در زمان خلافتش دیدم که خطبه می خواند و می گفت: آگاه باشید! آنچه را رسول خدا (ص) و دو صحابی اش وضع کرده اند، از دین است، به آن تمسک می کنیم و سخن ما به آن منتهی می شود و آنچه را غیر این دو وضع کرده اند، پشت سر می اندازیم.^{۶۷}

به هر حال ما معتقدیم، که خداوند مسأله تشریح و قانون گذاری را به غیر وحی واگذار نکرده است. در این زمینه شوکانی می گوید:

حق این است که سخن صحابی حجت نیست؛ زیرا خداوند غیر از حضرت محمد (ص) شخص دیگری را برای این امت مبعوث نکرده است و صحابه و دیگران به صورت مساوی موظفند که از شرع او و کتاب و سنت پیروی کنند و هر کس بگوید: در دین خدا به غیر از کتاب و سنت با چیز دیگری هم می توان اقامه حجت کرد، چیزی را در مورد دین خدا گفته که ثابت نشده و شرعی را اثبات کرده که خداوند به آن فرمان نداده است.^{۶۸}

استنباط مشروعیت به جماعت خواندن نماز تراویح از سکوت پیامبر (ص)
قسطلانی از ابن التین و غیر او نقل کرده است که:

عمر مشروعیت به جماعت خواندن نماز تراویح را از سکوت پیامبر (ص)
استنباط کرده است و هر کس در این شبها با پیامبر (ص) نماز خوانده، کاردستی

۶۷. تاریخ المذاهب الاسلامیه (همچنین: بحوث مع اهل السنه)، ص ۲۳۵.

۶۸. همان.

انجام داده است هر چند پیامبر(ص) از این کار آنان ناخشنود بوده، اما ناخشنودی او به سبب ترس از واجب شدن این کار بوده نه از اصل این کار. اما چون پس از مرگ پیامبر(ص) خوفی از واجب شدن این کار وجود نداشت، عمر به دلیل مفاسدی که در اختلاف امت است و همچنین به دلیل این که به جماعت خواندن نماز پشت سر یک نفر برای بسیاری از نماز گزاران، نشاط آورتر است، آن را ترجیح داده است. ۶۹

این سخن اشتباه است؛ زیرا اگر نماز تراویح مشروع است و از جمله اعمالی است که خداوند آن را تشریح کرده، چرا مورد ناخشنودی پیامبر(ص) بوده است و اگر ناخشنودی او به سبب ترس از واجب شدن آن بوده کافی بود که برای رفع این ترس، آن را گهگاه انجام دهد. بنابراین، اینکه پیامبر(ص) به خانه رود و در طول عمرش، برای اقامه این نماز در مسجد حاضر نشود، نشان می‌دهد که به جماعت خواندن آن مشروع نبوده است، زیرا چنانچه این عمل مشروع بوده نیابستی آن را به طور کلی ترك می‌کرد و می‌دانیم که تشریح یک حکم بدون این که کار برد عملی داشته باشد، عملی لغو است که از خداوند سبحان صادر نمی‌شود.

ابویوسف روایت کرده است که:

از ابوحنیفه از نماز تراویح و کاری که عمر انجام داد، سؤال کردم، در جواب گفت: نماز تراویح سنتی مؤکد است و چیزی نیست که عمر از پیش خود ساخته باشد و در مورد آن بدعت نگذاشته و به آن فرمان نداده، مگر مطابق اصل و عهدی از رسول خدا(ص) که نزد وی بوده است. عمر آن را وضع کرد و مردم را گرد آورد تا آن را با ابی‌بن کعب به جای آورند و وی هم این نماز را به صورت جماعت اقامه کرد و صحابه بسیاری از مهاجرین و انصار حضور داشتند و کسی از آنها، نه تنها مخالفت نکرد، بلکه همراهی کرده و به آن فرمان دادند. ۷۰

۶۹. فتح الباری، ج ۴، ص ۲۰۴.

۷۰. الموسوعة الفقهية الكويتية، ج ۲۷، ص ۱۳۸ به نقل از فتح القدير، ج ۱، ص ۳۳۳.

ابو ایوسف عمل خلیفه دوم را با دلایل زیر که همه آنها مورد مناقشه است توجیه کرده است:

۱. اصلی نزد خلیفه دوم وجود داشته است.

۲. عهدی از رسول خدا(ص) نزد او وجود داشته است.

۳. کسی از صحابه به این عمل خلیفه اعتراض نکرده است.

اما اشکال دلیل اول این است که مراد از اصل موجود نزد خلیفه چیست؟ آیا این اصل

مخصوص خلیفه دوم بوده یا نزد دیگران هم وجود داشته است؟

اشکال دلیل دوم این است که آن چه عهدی بوده که رسول خدا(ص) با او کرده بود، به

جز این که رسول خدا(ص) از اقامه این نماز به صورت جماعت امتناع کرده، دستور داده بود تا در خانه ها اقامه شود.

و اشکال دلیل سوم این است که از میان صحابه، امام علی بن ابی طالب بر عمر

اعتراض کرد و این کار را بدعت نامید، اما در آن روزها گوش شنوایی وجود نداشت.

روایات دیگر امامان هم نشان می دهد که آنها با این بدعت مخالف بوده اند.

و بالاخره آنچه از رسول خدا(ص) ثابت است چیزی نیست جز این که وی نماز شب

را در یک شب یا دو شب تا چهار شب به جماعت اقامه کرده، سپس به داخل خانه اش رفته

و از آن خارج نشده است و اگر قایل شویم که این عمل پیامبر(ص) در چنین شرایط آکنده از

ابهام، حجت است و از منع اقامه این نماز به صورت جماعت، از جانب پیامبر(ص)

صرف نظر کنیم، برای ما تنها همین مقدار از رکعات(یعنی هشت رکعت)، آن هم به شرط

این که نماز شب باشد نه هر نافله ای، صحیح است.

در پایان به چند مسأله می پردازیم:

۱. اقامه نماز تراویح به صورت جماعت، غفلت از حکمت خدا

اگر اقامه نماز تراویح به صورت جماعت سنتی مؤکد بود، بایستی پیامبر(ص) به آن

سفارش می کرد تا پس از وفاتش به آن عمل شود؛ زیرا پس از رحلت او، دیگر ترس

واجب شدن آن وجود ندارد. اما با این حال نه تنها لب به آن نگشود، بلکه غضبناک به خانه



آمد و به جز یک یا دو یا سه بار آن هم با بی میلی، به جماعت به جا نیامورد و این نشان می دهد که در اقامه آن به صورت فردی در خانه و نه در مساجد، حکمتی وجود داشته است و او بیشتر از هرکس به مصلحت این عمل؛ یعنی برکت دادن به خانه ها، آشنا بوده است.

تشریح احکام و شعایر اسلامی دارای اسرار و حکمتهایی است که گاهی عقول انسانهای عادی آن را درک می کند و گاهی از درک آن عاجز است و ممکن است برای برخی در زمانی مخفی بوده، برای برخی دیگر و در زمانی متفاوت، آشکار شود. بدون شک در ورای سنت رسول خدا(ص) - که از روی هوای نفس سخن نمی گوید - مبنی بر عدم اقامه آن به صورت جماعت، حکمت و الایی وجود دارد که گاه بر اقامه آن در خانه ها و به صورت فردی، متجلی می شود؛ زیرا نمازگزار با فروتنی و ترس از عذاب و امیدواری به رحمت او، در مقابل پروردگار می ایستد و تمامی هم و غم خویش را ظاهر ساخته، از خداوند طلب غفران و رحمت می کند. نماز گزار در این حالت از همه چیز قطع امید کرده و هیچ چیز او را از خدا و یاد او منصرف نمی کند و عجب و افتخار و ریا، این موقعیت او را تیره و تار نمی کند. از طرف دیگر به جا آوردن این نماز در خانه موجب به وجود آمدن فضایی از ایمان، پاکی، برکت و صفا در آن می شود؛ زیرا در این صورت، خانه از ذکر و تسبیح خدا و صلوات بر پیامبر(ص) او خالی نیست و شکی نیست کسانی که در چنین خانه ای ساکن هستند(مثل همسر، فرزندان و ...) در چنین فضایی به سر خواهند برد و از بوی خوش آن تنفس خواهند کرد و همین مسلماً از عوامل تربیتی مهمی خواهد شد که آنها را به سمت هدایت، وارستگی، رفتار صحیح و تقوا رهنمون می کند.

پیامبر(ص) دستور داد که نوافل در خانه ها به جا آورده شود تا از هرگونه ریایی به دور باشد و این که این دستور مقید به زمان خود حضرت نبوده نشان می دهد که به جا آوردن نوافل در مساجد اهمیت کمتری دارد.

بنابراین چنانچه به جماعت خواندن نوافل مشروع بود، بایستی به جماعت خواندن آنها در مساجد بهتر از به جا آوردن آن ها در خانه ها باشد. اما تصریح پیامبر(ص) به این که

به جا آوردن این نمازها در خانه افضل است، نشان می دهد که دست کم به جماعت خواندن آنها مشروع نیست.

سید شرف الدین می گوید:

فایده اقامه این نماز در خانه و به صورت فرادی این است که نماز گزار در دل شب با خدای خود خلوت کند و در پیشگاه او گریه و زاری نماید و با مناجات و راز و نیاز با وی، حوایج و گرفتاری های خود را عرضه بدارد و چشم به رحمت و امید به مرحمت ذات اقدس او داشته باشد و بداند که پناهگاهی جز او ندارد و نجات دهنده او خدای مهربان است.

به همین دلیل است که خداوند مستحبات را از قید جماعت، رها ساخته تا بندگان بتوانند به تهایی، آن گونه که می خواهند به خدا نزدیک شوند و در پیشگاه وی ناله کنند و هر کس خواست آن را اندک و هر کس خواست آن را بیشتر انجام دهد؛ زیرا همان طور که در روایات رسیده از پیامبر (ص) آمده است نماز بهترین کاری است که ممکن است انسان انجام دهد. اما اگر به صورت جماعت اقامه شود دیگر این فایده را نخواهد داشت و این مزایا را از دست خواهد داد.

علاوه بر این رها ساختن مستحبات از قید جماعت، باعث می شود که خانه ها از برکت و شرافت نماز خواندن در آنها خالی نماند و لذت و نشاط تربیتی آن محفوظ بماند، تا از این راه فرزندان به پیروی از پدران، مادران و نیاکان خود، راه دینداری و مسلمانی را بیاموزند و آن را از نظر دور ندارند و در دل و جان آنها اثر بگذارد.

عبدالله بن مسعود از پیامبر (ص) پرسید: کدام یک بهتر است: نماز مستحبی در خانه ام یا در مسجد؟ پیامبر (ص) فرمود:

الائتری إلى بيتي ما اقربه إلى المسجد، فلان أصلي في بيتي أحب إلى من أن أصلي في المسجد إلا أن تكون صلاة مكتوبة؛

نمی بینی که خانه من چقدر به مسجد نزدیک است، با این وصف من دوست

دارم که نمازهایم را در خانه ام بخوانم، مگر این که نمازهای واجب باشد.
 این روایت را احمد بن حنبل، ابن ماجه و ابن خزیمه در صحیح خود نقل کرده اند، چنانچه در باب «ترغیب در نمازهای مستحبی»، از کتاب الترغیب و الترهیب اثر امام زکی الدین عبدالعظیم بن عبدالقوی مُنذری آمده است. از زید بن ثابت روایت شده که پیامبر (ص) فرمود:

صَلُّوا أَيُّهَا النَّاسُ فِي بُيُوتِكُمْ فَإِنَّ أَفْضَلَ صَلَاةِ الْمَرْءِ فِي بَيْتِهِ إِلَّا الصَّلَاةَ الْمَكْتُوبَةَ؛
 ای مردم! نمازهایتان را در خانه های خود بخوانید؛ زیرا بهترین نماز مرد آن است که در خانه اش خوانده شود مگر این که نماز واجب باشد.

این روایت را نیز نسایی و ابن خزیمه در صحیح خود نقل کرده اند.^{۷۱}
 خلاصه همه آنچه را تاکنون گفتیم همین روایت اخیر است که پیامبر (ص) فرمود: :
 ای مردم! در خانه هایتان نماز بخوانید، زیرا بهترین نماز مرد نمازی است که در خانه اش خوانده شود، مگر نماز واجب.^{۷۲}

۲. ترجیح مصلحت بر نص

عمل خلیفه دوم چیزی جز ترجیح مصلحت (بر حسب تشخیص او) بر نص نیست و این مورد، تنها مورد در زندگی او نبوده است، بلکه در طول خلافتش موارد دیگری هم وجود دارد؛ مانند:

۱. امضای سه طلاق با لفظ واحد، با این که در زمان رسول خدا (ص) و بعد از او و دو سال اوّل خلافت عمر، این گونه طلاق، یک طلاق محسوب می شده است.
 ۲. تحریم متعه حج در حالی که صحابه در زمان پیامبر (ص) از متعه حج بهره مند بوده اند.

۳. تحریم متعه زنان.

۷۱. النص والاجتهاد، ص ۱۵۱ و ۱۵۲.

۷۲. سنن نسایی، ج ۳، ص ۱۶۱.

احمد امین مصری می گوید:

برای من آشکار شده که عمر بن خطاب «رای» را در معنایی وسیع تر از آنچه ما ذکر کردیم، به کار می برده است؛ زیرا مطابق معنایی که ما کردیم، رای درجایی است که نصی از کتاب و سنت وجود نداشته باشد، اما ما ملاحظه می کنیم که خلیفه، بسیار دور از این معنا حرکت می کرده است؛ یعنی برای شناخت مصلحتی که آیه یا حدیث به سبب آن نازل شده، تلاش می کرد. آنگاه برای احکامی که می خواست صادر کند به آن مصلحت تمسک می کرد و این شبیه چیزی است که امروزه از آن به تمسک به روح قانون و نه به الفاظ آن، تعبیر می شود.^{۷۳}

تمسک به روح قانونی که احمد امین به آن اشاره کرده، یک امر است و کنار نهادن نص و عمل به رای خود، امری دیگر است. اما گروه دوم نص را کنار زده و به رای خود عمل می کرده اند و روایاتی که از خلیفه دوم در این مساله و امثال آن نقل شده، از این قبیل است.

۳. بدعت بودن تقسیم بدعت به بدعت خوب و بداعات فریضی

همچنان که یاد آور شدیم، خلیفه دوم عمل خویش یا اجتماع مردم بر امامت ابی بن کعب را، بدعت خوب نامید. اگر بدعت عبارت از دخالت کردن در امر شریعت، است، دیگر خوب و بد ندارد، اقامه نماز تراویح به صورت جماعت از دو حالت خارج نیست:

اول. این عمل ریشه در کتاب و سنت دارد. در این صورت عمل خلیفه احیای سنتی است که رها شده بود، خواه این که خواسته باشد این نماز به صورت جماعت اقامه شود و خواه خواسته باشد مردم را بر گرد یک امام جمع کند. بر این اساس این سخن خلیفه درست نیست که: «این بدعت بدعت خوبی است»، زیرا این عمل، دخالت کردن در شریعت نیست.

۷۳. فجر الاسلام، ص ۲۳۸، انتشارات دارالکتاب.

دوم. این عمل، خواه اقامه آن به صورت جماعت یا برای جمع کردن مردم گرد یک امام، ریشه‌ای در کتاب و سنت ندارد. تنها به سبب این که خلیفه دوم تفرقه مردم را دوست نداشت، دستور داد تا این نماز به صورت جماعت و یا به امامت یک امام خوانده شود. اگر چنین باشد، این عمل بدعتی زشت و حرام است.

۴. سنت یا بدعت؟

بدعت گذاردن در دین از گناهان بزرگ است. کسی که بدعت گذار است با فرمانروایی خداوند تبارک و تعالی، در عرصه عقیده و شریعت منازعه و در دین او دخالت می‌کند؛ به این معنا که با دروغ بستن به خداوند سبحان، چیزی در دین او زیاد و یا از آن چیزی کم می‌کند.

براین اساس اگر شک کردیم که عبادتی سنت است یا بدعت، بایستی آن را ترك کرد؛ زیرا روح عبادت، انجام آن با قصد قربت است و قصد قربت با احتمال بدعت بودن آن، میسر نیست.

اینک با توجه به مطالب فوق، اگر ادله‌ای که بر مشروع نبودن جماعت خواندن نماز تراویح بر شمردیم، در ما یقین ایجاد نکنند که این عمل بدعت است، دست کم موجب تردید در مشروعیت آن می‌شود و همین مقدار از تردید کافی است که عقل، ما را به ترك آن وادار کند؛ زیرا تعبد به عمل مشکوک جایز نیست. بنابراین مسلمانی که محتاط است بایستی نوافل ماه رمضان را در میان خانواده و در خانه، به صورت فرادی انجام دهد. به امید این که خداوند مردانی آزاد از قید تقلید، برانگیزد تا احکام الهی را از نو، از کتاب و سنت استنباط کنند. البته این مهم با پی ریزی نهضت علمی با نشاطی که اختلافات فقهی را از ریشه حل کند، میسر خواهد بود.